

بازخوانی مجازات جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان گردان در نظام حقوقی ایران

مقاله علمی - پژوهشی

دکتر عاطفه عباسی کلیمانی* - ملیکا محبویی**

چکیده:

اعتیاد به مواد مخدر امروزه یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی و معضلات اساسی زندگی بشری به‌شمار می‌رود و می‌توان از آن به‌عنوان دغدغه‌ای جهانی یاد کرد. حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر و همه‌جانبه است. بدیهی است هر کشوری برای مقابله با این جرایم سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کند. در کشور ایران نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شد تا با کلیه مظاهر فساد و تباهی که یکی از مهم‌ترین آنها، اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان گردان است، مبارزه کند. حافظه تقنینی از واکنش شدید به این نوع از بزه با رویکردی به نظر افتراقی حکایت دارد. در یک نظام معقول سیاست جنایی، حربه مجازات تنها به‌منظور آزار بزهکار و انتقام‌جویی به‌کار نمی‌رود بلکه اثر پیشگیری‌کننده آن نیز مدّ نظر است. از این رو در سیاست جنایی ایران، ضمانت‌اجراهای کیفی اعم از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی در نظر گرفته شده است تا نسل‌های آینده در محیطی سالم شکوفا شده و رشد فضایل اخلاقی در سایه ایمان و تقوا به‌خوبی تحقق یابد. مقاله حاضر درصدد بازخوانی مجازات جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان گردان با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۹۶ قانون مبارزه با مواد مخدر است و بدین‌منظور باتوجه‌به جنبه نظری پژوهش، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی داده‌ها به شیوه استقرایی - قیاسی استفاده شده است و

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی)، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۹
صفحه ۱۳۳-۱۵۷، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۹

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران

Email: atefehabbasi@ius.ac.ir

** کارشناس حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران، نویسنده مسئول

Email: melikamahboubi@yahoo.com

ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های موجود در این زمینه، به بیان نظر قانونگذار و مقایسه دیدگاه‌های مختلف حقوق دانان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها:

ضمانت‌اجرا، اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، قانون مبارزه با مواد مخدر، سیاست جنایی، مجازات.

مقدمه

باتوجه به فزونی ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان در جامعه کنونی، نگارنده بر آن شد تا ضمانت‌اجراهای کیفری این نوع جرایم را که از مهم‌ترین مباحث در عرصه علم حقوق کیفری است، مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. از موضوعاتی که از زوایای گوناگون نگرانی سیاست‌گذاران را برانگیخته و توجه آنان را به خود جلب کرده است، آسیب‌های ناشی از سوء مصرف مواد مخدر است. مواد مخدر باتوجه به تعریفی که سازمان بهداشت جهانی^۱ ارائه نموده، عبارت است از: «هر ماده یا ترکیبی از چند ماده شیمیایی که از جمله مواد مورد نیاز بدن برای بقای سلامت آن به‌شمار نرفته و مصرف آنها احتمال تغییری در کارکرد بیولوژیکی و حتی ساخت بیولوژیکی بدن و عملکردهای روانی - عقلانی مصرف‌کننده را مطرح می‌سازد.»^۲ داروهای روان‌گردان^۳ نیز تعدادی فرآورده‌های دارویی، شیمیایی و صنعتی هستند که عمدتاً متشکل از داروهای محرک و توهم‌زا بوده و استفاده از آنها اعتیادآور است، اما برخی از آنها هم جنبه دارویی داشته و با مجوز پزشک در درمان برخی بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.^۴ مخدرها، روان‌گردان‌ها و بالطبع جرایم ارتكابی در این حوزه به‌لحاظ دارا بودن ماهیت چندوجهی، همواره مقابله جدی‌تری را می‌طلبند. به‌طوری‌که حافظه تقنینی از واکنش شدید به این نوع از بزه‌ها با رویکردی، به‌نظر افتراقی حکایت دارد. در فرایند دادرسی کیفری عادلانه، شخص بزه‌کار پس از گذراندن مراحل دادرسی، مطابق با بزه ارتكابی محکومیت خواهد یافت و با ضمانت‌اجراهای قوانین جزایی که توأم با مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی است، روبه‌رو خواهد شد. سیاست جنایی تقنینی مناسب اقتضاء

1. World Health Organization (WHO)

۲. محمدرضا ساکی، مواد مخدر و روان‌گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل (تهران: نشر جاودانه، ۱۳۹۱)، ۷۰-۶۹؛ ریچارد همرسلی، مواد مخدر و جرم (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹)، ۷۱.

3. Psychotropic Drugs

۴. ساکی، پیشین، ۸۰.

می‌کند که ضمانت‌های اجرا با واقعیت‌های جامعه، جرایم ارتكابی، شخصیت بزه‌کار و میزان خسارت وارده به جامعه تناسب داشته باشد. در ایران قوانین اولیه مبارزه با مواد مخدر جنبه ارشادی داشت و نشانی از سرکوبگری نبود اما به تدریج بر اثر فشارهای عمومی و بین‌المللی، دولت مجبور به برخورد قاطع با معضل اعتیاد شد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ سوم آبان ۱۳۶۷ قانونی تحت عنوان «قانون مبارزه با مواد مخدر» توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و اعتیاد جرم شناخته شد. تصویب این قانون حاکی از آن است که بالاترین مرجع قانونی و سیاست‌گذاری به امر مبارزه با مواد مخدر به‌عنوان یک مصلحت برای نظام اسلامی نگریسته است. مطابق این قانون تمام ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی که می‌توانند به‌نحوی در روند مبارزه با مواد مخدر نقشی ایفاء کنند از نظر قانونی ملزم و موظف به همکاری هستند. از این رو ستادی تحت عنوان «ستاد مبارزه با مواد مخدر» به ریاست بالاترین مقام اجرایی کشور تشکیل شد. ستاد مذکور با برگزاری جلسات منظم بر امر مبارزه با مواد مخدر نظارت نموده و با تصویب مقررات و تأمین بودجه لازم، پویایی خاصی به قانون داده است.^۵ پس از بررسی‌های به‌عمل آمده توسط کارشناسان ستاد مبارزه با مواد مخدر و کمیسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه، اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر شامل ۱۲۲ ماده تدوین و برای تصویب به مجمع تشخیص مصلحت نظام تقدیم گردید و پس از بررسی‌های مجدد کارشناسی در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسید،^۶ لکن در سال‌های اخیر نقدها و چالش‌های مهمی درباره آن مطرح شد. از یک سو در سطح داخلی برخی حقوق‌دانان سیاست سرکوب و سزادهنده را در کاهش جرایم مواد مخدر اثربخش ندانسته و از نظر حقوقی نیز تعیین کیفر بدنی اعدام را برای جرم تعزیری ناموجه محسوب می‌کردند و خواستار بازنگری قانون بودند. از سوی دیگر از نظر سیاسی و در سطح بین‌المللی، دولت جمهوری اسلامی ایران برای اجرای کیفر اعدام، ناقض حقوق بشر اعلام شد.^۷ درنهایت در سال ۱۳۹۶ با گذر از چالش‌های زیاد، اصلاحیه‌ای جهت تعدیل کیفرهای

۵. شادی مهرگان، «تناسب مجازات اعدام جرایم مواد مخدر و روان‌گردان» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵)، ۲.

۶. مجید جلالی، «تعدد و تکرار جرم و شروع به جرم در جرایم مواد مخدر» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۴)، ۱۰.

۷. جمشید غلاملو، «تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرایم مواد مخدر»، *مجله حقوقی دادگستری* ۱۰۳ (۱۳۹۷)، ۱۵۴.

شدید اعدام و حبس ابد به آن الحاق شد. در این مقررہ برخی جرایم مواد مخدر، چنانچه با شرایط مشدده‌ای مانند استفاده از سلاح، استفاده از کودکان و نوجوانان، سابقه کیفری و حجم زیاد مواد مخدر همراه باشند، مشمول اعدام می‌شوند، در غیر این صورت مجازات‌های خفیف‌تری تعیین می‌گردند. لکن این اصلاحیه قانونی جرایم مواد مخدر را از تعزیری به حدی تبدیل کرده است زیرا به‌موجب این اصلاحیه برای توجیه و مشروعیت‌بخشی به کیفر اعدام، برخی جرایم مواد مخدر را مصداق جرم حدی «افساد فی الارض» و مستحق کیفر اعدام دانسته‌اند.^۸ اکنون مقاله حاضر به‌طور خاص در صدد بازخوانی و تبیین ضمانت‌اجراهای کیفری جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۹۶ قانون مبارزه با مواد مخدر بوده و به ارائه دسته‌بندی نوین در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان و مجازات آنها می‌پردازد.

۱- مجازات‌های اصلی جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان

برای هر جرم، قانونگذار یک یا چند مجازات اصلی تعیین می‌کند که اجرای آنها فقط به‌موجب حکم قطعی دادگاه ممکن بوده و ضمانت‌اجرای امرونهی‌های قانونگذار به‌شمار می‌روند و تابع مجازات دیگری نیستند. این کیفرهای اصلی در زمینه ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان عبارتند از اعدام، حبس، شلاق، جریمه نقدی و ضبط و مصادره اموال که در ادامه هر یک به‌تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.^۹

۱-۱- مجازات اعدام

از اقدامات اساسی در امر مبارزه با مواد مخدر برخورد قاطع قانونی و قضایی با مرتکبان و تعیین شدیدترین مجازات یعنی اعدام در قوانین کیفری است. اعدام (سلب حیات از مجرم) همواره آخرین ضمانت‌اجراست که در مورد مهم‌ترین جرایم اعمال می‌شود. مجازات اعدام همواره منافع و مضراتی دارد. عقل بشر از درک بسیاری از واقعیات هستی عاجز است و نفع و ضرر خود را به‌طور مطلق نمی‌شناسد و اراده‌ای فراتر از عقل بشری لازم است تا راه را از چاه بازشناسد و آن نیست جز اراده و مشیت الهی. در این جهت شورای عالی قضایی وقت در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۶۱ برای کلیه محاکم قضایی بخشنامه‌ای صادر کرد و در آن محکومیت به

۸. همان، ۱۵۵.

۹. ساکی، پیشین، ۲۲۷.

مجازات اعدام در رابطه با مواد مخدر را در صورتی صحیح و منطبق با موازین اسلامی می‌داند که فعالیت مجرم در حدی باشد که موجب انطباق عنوان مفسد فی الارض بر او گردد. اگرچه که این‌گونه عملکرد جنبه احتیاط در دماء محسوب می‌شد و عمل پسندیده‌ای بود اما با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها منافات داشته و برای جلوگیری از تفسیر موسّع و قیاس احکام جزایی، باید تک‌تک موارد افساد فی الارض در قانون احصاء شوند. بدیهی است تشخیص این امر برعهده قانونگذار است. مجازات اعدام در حوزه جرایم مواد مخدر سال‌هایتمادی است که به‌عنوان معمای پیچیده، نظام عدالت کیفری و پژوهشگران این حوزه را به خود مشغول کرده است و از گذشته تاکنون مخالفان و موافقان آن در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. عده‌ای استدلال می‌کنند که تأثیر بازدارنده مجازات اعدام بیش از هر کیفر دیگری است و باعث کاهش میزان ارتکاب جرم از طرفی و حذف مجرمین خطرناک از جامعه و سلب امکان تکرار جرم توسط آنها از طرف دیگر شده و سلامت و امنیت جامعه را حفظ می‌کند.^{۱۰} که از این نظریه به‌عنوان تئوری «کاهش‌گرا یا تقلیل‌گرا» یاد می‌شود. به‌علاوه حقوق‌دانانی همچون دکتر اردبیلی معتقدند شرف و مقام انسانی هر فرد زمانی محترم است که از جایگاه انسانی خود تنزل نکند فلذا مجازات اعدام هیچ‌گونه مغایرتی با احساس بشردوستی ندارد.^{۱۱} درمقابل، عده‌ای با این استدلال که این مجازات، توان بازدارندگی لازم را ندارد، با این امر مخالفت می‌کنند و معتقدند تناسبی میان نوع جرم و مجازات آن در جرایم مواد مخدر وجود ندارد، از این رو لازم است برای رعایت تناسب میان جرم و مجازات اعدام در خصوص مواد مخدر که ماهیتاً هم بیشتر تعزیری محسوب می‌گردد، بازنگری به‌عمل آید به‌علاوه یکی از دلایل عدم بازدارندگی این مجازات را پنهان و دور از ابصار عمومی بودن آن دانسته و عام بودن اجرای آن را از عوامل مؤثر بر کاهش جرایم مواد مخدر می‌دانند.^{۱۲} همچنین از منظر حقوق بین‌الملل بشر هم با این مجازات مخالفت شده و دلیل مخالفت حق حیات و حق

۱۰. هادی حامدی، «تحولات مجازات اعدام در مواد مخدر در نظام کیفری ایران» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تفت: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵)، ۵۸.

۱۱. مریم علی‌اکبری، «بررسی میزان بازدارندگی مجازات اعدام» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، بندرعباس: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۶)، ۲۲؛ سمیه قاسمی و محمدعلی داوریار، «بررسی ممنوعیت کیفر بدنی اعدام از دیدگاه بین‌المللی و تأثیر آن بر قانون جزا مصوب ۱۳۹۲»، *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه* ۳ (۱۳۹۵)، ۱۳۴.

۱۲. رضا سلیمانی، «بررسی تأثیر عام بودن و یا پنهان بودن اعدام در کاهش جرایم مواد مخدر»، *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه* ۲/۱ (۱۳۹۷)، ۱۷۵.

ممنوعیت مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و موهن بیان شده است. این مخالفت تا حدی است که برخی استادان^{۱۳} معتقدند مخالفت با اعدام، تبدیل به قاعده عرفی در نظام بین‌المللی شده است و کمیته حقوق بشر الغای مجازات اعدام یا محدودیت آن را توصیه می‌کند.^{۱۴} همچنین عده‌ای از فقهای شیعه معتقدند که مطابق قاعده «التعزیر بما دون الحد» میزان مجازات جرایم تعزیری نباید هم‌سطح یا بالاتر از مجازات حدی قرار گیرد به همین علت در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، اساساً مجازات اعدام تعزیری را منتفی نموده است یعنی قانونگذار کلیه اعدام‌های تعزیری را به مجازات‌های تعزیری درجه یک که شدیدترین نوع مجازات تعزیری است، تبدیل کرده است.^{۱۵} به‌طور کلی در توجیه وجود مجازات اعدام، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به‌خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه واردشده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد. طبق نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام، نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم بازمی‌دارد، بلکه دیگران نیز با عبرت گرفتن، از ارتکاب جرم مستوجب اعدام، خودداری می‌کنند.^{۱۶} درنهایت طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، در اثر فشارهای سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، قابلیت تصویب و اجرا پیدا کرد. طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخصوص الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، پس از تأمین نظر شورای نگهبان تصویب و از آبان ماه سال ۱۳۹۶ لازم‌الاجرا گردید. بر اساس ماده ۴۵ الحاقی، مجازات اعدام در مواردی محدود به سقف میزان مواد و مشروط به شرایطی شده است. این قانون همانند سایر قوانین مساعد به حال متهمین و محکومین، قابلیت عطف بماسبق شدن را داراست. به‌موجب قانون قبل از اصلاح ۱۳۹۶، مرتکب موضوع مواد ۴ و ۸ قانون مبارزه با

۱۳. رضا اسلامی، آیا حقوق بشر؟ راهنمای هنجاری حقوق مدنی - سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵)، ۷۳.

۱۴. مهدی پوررضا و مهدی اسماعیلی، «بررسی‌های مجازات جایگزین کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر» (مقاله ارائه‌شده در سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، ۲۰ آبان ۱۳۹۵)، ۸؛ محمدعلی صلح‌چی و شهریار نصیری، «مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین‌الملل بشر؛ حذف یا ابقاء»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۹ (۱۳۹۷)، ۱۶۵ و ۱۵۲.

۱۵. حامدی، پیشین، ۴۴.

۱۶. حسن پوربافرانی و امین مسائلی، «تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر»، *فصلنامه مجلس و راهبرد* ۹۱ (۱۳۹۶)، ۱۵۲؛ مسعود کاظمی، «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان»، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد* ۴ (۱۳۹۳)، ۱۰۴.

مواد مخدر بدون هیچ قید و شرطی به مجازات اعدام محکوم می‌شد اما اکنون مرتکبی که یکی از شرایط چهارگانه مستند در ماده ۴۵ را نداشته باشد، به اعدام محکوم نخواهد شد.^{۱۷} بر اساس ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر قبل از اصلاح سال ۱۳۹۶، کسانی که صادرکننده، ارسال‌کننده، توزیع‌کننده، سازنده و فروشنده مواد مخدر تا پنج کیلوگرم تریاک، شیره، سوخته، تفاله تریاک و حشیش بودند، موضوع اعدام مطرح می‌شدند و بر اساس ماده ۸ همان قانون تولیدکننده، توزیع‌کننده، صادرکننده و فروشنده هروئین، کوکائین و انواع روان‌گردان‌ها مثل شیشه و ال‌اس‌دی با بیش از ۳۰ گرم مشمول اعدام می‌شدند. لکن مطابق قانون جدید جرایم مربوط به پنج کیلوگرم تریاک تبدیل به ۵۰ کیلوگرم شده و درخصوص ماده ۸ نیز مجازات مربوط به ۳۰ گرم حمل، تولید، واردات و صادرات فروش مواد روان‌گردان مانند هروئین و کوکائین به سه کیلوگرم افزایش یافته است و مرتکبان این‌گونه جرایم در حکم مفسد فی‌الارض بوده و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم می‌شوند. پس از اجرایی شدن، این ماده طی دستورالعملی که از طرف رئیس قوه قضائیه به مراجع قضایی سراسر کشور ابلاغ شد، قضات اجرای احکام کیفری مکلف شدند در اسرع وقت پرونده‌های مشمول بند (ب) ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با اولویت محکومان به اعدام، ضمن توقف اجراء، موردبررسی قرار دهند و چنانچه اجرای ماده‌واحده موجب تخفیف مجازات محکومان می‌شود، مراتب را به همراه پرونده به شعبه دادگاه انقلاب صادرکننده حکم قطعی ارسال کنند. همچنین در متن دستورالعمل آمده بود، در صورتی که محکوم‌علیه رأساً تقاضای تخفیف کند، قاضی اجرای احکام نیز مکلف است درخواست وی را به همراه پرونده به دادگاه ارسال کند. زندانیان مشمول این ماده نیز می‌توانستند تقاضای خود

۱۷. درخصوص ابهام‌زدایی از ماده ۴۵ و به‌ویژه بند (ت) آن نظریه مشورتی شماره ۲۱۶۱/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۴ ارائه شد که مقرر می‌دارد: «جرایم موضوع ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحات و الحاقات بعدی (خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کردن تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ این قانون) از تاریخ لازم‌الاجرا شدن ماده‌واحده الحاقی یک ماده به قانون یادشده مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ با هر نصیابی از مواد یادشده، مستوجب مجازات اعدام نیست، مگر آنکه یکی از شرایط مذکور در بندهای (الف)، (ب) یا (پ) ماده‌واحده نیز وجود داشته باشد، زیرا در بند (ت) ماده‌واحده مذکور، جرایم موضوع ماده ۵ یادشده ذکر نشده است و مرتکبان قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون اگر به استناد بندهای ۴ (برای بار سوم) یا ۵ (برای بار دوم) ماده یادشده به‌علت تکرار جرم به اعدام محکوم شده باشند، از آنجاکه سابقه محکومیت بزه موضوع بندهای ۴ و ۵ ماده ۵ مذکور علی‌القاعده کمتر از ۱۵ سال حبس بوده است، موضوع مشمول بند (ب) ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است و باید باتوجه‌به صدر ماده‌واحده مذکور، مجازات اعدام به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن تبدیل شود.»

را به رئیس زندان مربوطه تحویل دهند. این امر باعث شد زندانیان بسیاری درخواست بررسی مجدد بر اساس قانون جدید را تقدیم کنند. در واقع مجلس با طرح تخفیف کاهش مجازات اعدام به دنبال این بود که سرکرده‌های اصلی و قاچاقچیان عمده مجازات شوند. همچنین ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، مطابق ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسخ صریح شده است و با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۴۳ دیوان عالی کشور، احکام اعدام در جرایم مواد مخدر قابل فرجام‌خواهی هستند. لذا قانونگذار با اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶، درصد تعدیل کیفرهای شدید اعدام و حبس ابد برآمد و مرتکبان صرفاً در شرایط خاص مانند ارتکاب جرم به‌طور مسلحانه، استفاده از کودکان و نوجوانان در جهت ارتکاب جرم^{۱۸}، سابقه کیفری و یا زیاد بودن حجم مواد مخدر مشمول اعدام می‌شوند. به‌طور کلی آنچه از فقه اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی ایران به دست می‌آید، این است که می‌توان بر اساس مصالح و مفاسدی که حاکم و ولی فقیه تشخیص می‌دهد از مجازات اعدام برای جلوگیری و مبارزه با مواد مخدر بهره جست، اما باید توجه داشت که در هر صورت تعیین مجازات اعدام برای مرتکبین این جرایم در صورتی ممکن است که اطلاق مفسد فی الارض یا عناوین مشابه بر ایشان ممکن باشد و در واقع عناصر مادی و معنوی این جرم محقق شوند.^{۱۹} پس از پذیرش الغاء یا محدود کردن کیفر اعدام، دستیابی به مجازات‌های جایگزین مناسب مورد توجه حقوق دانان قرار گرفت. مجازاتی که در عین حالی که آثار اعدام را تأمین می‌کند، با اهداف جدید حقوق کیفری هم مطابقت داشته باشد. به هنگام بحث از مجازات‌های جایگزین باید دو گروه را از هم متمایز نمود. گروهی به سرکردگی بکاریا که طرفدار اصالت بشر نبوده، بلکه در جستجوی مؤثرترین راه‌حل‌ها برای تهدید بزهکار بوده تا علاوه بر ارباب مجرمین برای جامعه نیز واجد نفع و فایده باشد. لذا مجازات‌هایی که این گروه به جای اعدام پیشنهاد می‌نماید، عبارتند از حبس دائم با اعمال شاقه، حبس دائم، تبعید و غیره. در مقابل گروهی دیگر از حقوق دانان معتقدند به جای کیفر اعدام که مخالف شأن و مقام

۱۸. ماده ۳۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر می‌دارد: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت وجود سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.»

۱۹. سعید مدنی قهفرخی، *اعتیاد در ایران* (تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۰)، ۴۱۱؛ ساکی، پیشین، ۲۴۵-۲۲۸.

والای انسانیت است، مجازاتی پیشنهاد می‌نمایند که درعین‌حال که حیثیت و شرافت انسانی را به خطر نمی‌اندازد، امکان معالجه و درمان مجرم را فراهم آورد. به همین دلیل مجازات جایگزین آنها حبس می‌باشد اما مدت آن را تعیین نمی‌نمایند، زیرا معتقدند که هرگاه جامعه احساس نمود مجرم کاملاً اصلاح شده و خطری برای آن نخواهد داشت، ضرورتی ندارد که همچنان وی را در زندان نگه دارد.^{۲۰}

۱-۲- مجازات حبس

مجازات حبس آزادی رفت‌وآمد را به‌طور کامل در زمان‌های طولیل‌المدت یا کوتاه‌مدت محدود می‌کند. لذا حبس مجازاتی سالب آزادی محسوب می‌شود و از این نظر که مجرم جان خود را حفظ می‌کند از مجازات اعدام بسیار خفیف‌تر است. این مجازات علی‌رغم اینکه بار مالی - اقتصادی فراوانی به دولت تحمیل می‌کند اما دارای فواید بسیاری بوده و در عصر جدید یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاع جامعه در برابر تبهکاران و مؤثرترین وسیله برای دور نگاه داشتن آنها از اجتماع به‌شمار می‌رود.^{۲۱} در قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۷۶، حبس در ۲۱ مورد به‌عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده و در تعیین آن از سه روش مختلف استفاده کرده است: اولاً، تعیین مجازات حبس با تعیین حداقل و حداکثر که اختیار تعیین آن بین این دو متغیر برعهده قاضی گذاشته شده است. در تعیین حبس بدین شیوه نظم و نسق مشخصی وجود ندارد؛ ثانیاً، تعیین مجازات به‌صورت معین و مقطوع بدون ذکر حداقل و حداکثر به‌عنوان مثال در ماده ۲۲ ق.م.ب.م.م. بیست سال حبس و در تبصره آن بیست‌وپنج سال حبس به‌عنوان مجازات ثابت در نظر گرفته شده است؛ ثالثاً، تعیین حبس ابد که همواره آن را به‌عنوان مجازات جانشین برای اعدام در نظر گرفته‌اند و هرجا مجازات اعدام به‌لحاظ فقدان شرایطی قابل‌اعمال نباشد به‌جای آن حبس ابد اعمال می‌شود.^{۲۲} نوع زندان و روش اجرایی زندان توسط سازمان زندان‌ها برای مجرم تعیین می‌شود.^{۲۳} نکته‌ای که مهم به‌نظر می‌رسد آنکه باید به‌نحوی عمل شود که زندان محیط مناسبی برای مجرم درجهت اصلاح او باشد، نه

۲۰. مسلم دوستی، «مجازات‌های جایگزین اعدام»، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی ۵ (۱۳۹۵)، ۹۸-۹۷.
 ۲۱. الهه خاکسار، «بررسی کیفرشناختی قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان با تأکید بر توزیع» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۴)، ۶۰.
 ۲۲. ساکی، پیشین، ۲۴۹-۲۴۶؛ خاکسار، پیشین، ۶۳.
 ۲۳. سجاد فتحی زفرقدی، «بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان»، فصلنامه مطالعات حقوقی ۱ (۱۳۹۵)، ۵۳.

محیطی که او را نسبت به ارتکاب جرم در آینده جری‌تر کند^{۲۴} لذا مسئولان قضایی باید باتوجه‌به همه جوانب و ویژگی‌های فردی مرتکب و اصل فردی بودن مجازات‌ها، اقدام به تعیین حبس به‌عنوان کیفر نمایند و در صورت لزوم از جایگزین‌های نوین مقرر در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و نهادهای ارفاقی استفاده کنند.^{۲۵}

۱-۳- مجازات شلاق

این مجازات با الهام از احکام شرع در قوانین جزایی ما وارد شده است. اغلب مجازات‌های اصلی در جرایم مشمول حد به‌صورت شلاق مقرر شده است و در کلام فقها هم تصریح شده است که تعزیر مادون حد است و در تعریف قانونگذار در ماده ۱۶ ق.م.ا. هم تعزیر را تأدیب و یا عقوبتی دانسته که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به‌نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق باید از مقدار حد کمتر باشد. لذا هیچ اصراری بر تعیین شلاق به‌عنوان تعزیر وجود ندارد و قانونگذار می‌تواند بر اساس نوع جرم و شدت آن هر مجازاتی را که بیشتر به مصلحت می‌داند، وضع و اعمال نماید. در قانون مبارزه با مواد مخدر حداقل مجازات شلاق یک ضربه و حداکثر آن ۷۴ ضربه تعیین شده است. قانونگذار در این قانون برای تعیین مجازات شلاق سه روش را برگزیده است: اولاً، تعیین مقداری مشخص بدون ذکر حداقل و حداکثر به‌عنوان مثال در تبصره ماده ۴ قانون م.ب.م.م. ۷۴ ضربه شلاق را مقرر کرده است؛ ثانیاً، تعیین مجازات شلاق با ذکر حداکثر و بدون ذکر حداقل به‌عنوان مثال در بند ۱ ماده ۵ همان قانون، مجازات تا ۵۰ ضربه شلاق اعلام شده است؛ ثالثاً، عام‌ترین روش قانونگذار که تعیین مجازات شلاق با ذکر حداقل و حداکثر است که در این روش دست قاضی برای تعیین مقدار باز است. بیشترین فاصله بین حداقل و حداکثر مجازات شلاق بین ۱ تا ۷۰ ضربه است که در بند ۳ ماده ۲ ذکر شده است.^{۲۶} استفاده از کیفر شلاق اگر با هدف بازگشت و بازپذیری اجتماعی محکوم صورت بگیرد، باید با رعایت شأن و کرامت انسانی او همراه باشد.^{۲۷}

۲۴. همان، ۶۷.

۲۵. نوشین یوسفی‌نژاد و محمود آقاجانی، «بررسی مجازات‌های سنتی و نوین جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی» (مقاله ارائه‌شده در چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز، در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶).

۲۶. ساکی، پیشین، ۲۵۱-۲۴۹؛ خاکسار، پیشین، ۵۶.

۲۷. خاکسار، پیشین، ۵۹.

۱-۴- مجازات جرمه نقدی

جریمه نقدی یکی از رایج‌ترین محکومیت‌های مالی است که علیه اموال فرد مجرم اعمال می‌شود. کیفرهای مالی مانند زندان فسادآور نیستند و قدرت ارباب‌انگیزی خود را حفظ می‌کنند، همچنین می‌توانند متناسب با درجه شدت اشتباه یا خسارت وارده باشند و برخلاف کیفرهای سالب آزادی، به نفع خزانه عمومی هستند. این مجازات به راحتی قابل جبران بوده و در صورت برائت متهم، می‌توان وجهی را که پرداخته به وی مسترد نمود لکن این مجازات برای افراد متمول هیچ‌گونه اثر اربابی ندارد و از طرفی هم برای مستمندان پرداخت جزای نقدی دشوار بوده و گاهی مرتکب مجبور می‌شود حبس بدل از جریمه را تحمل نماید که با اصل فردی کردن مجازات‌ها و همچنین اصل شخصی بودن مجازات‌ها مغایرت دارد چراکه علاوه بر اینکه مجازات تعیین شده با ویژگی‌های مرتکب تناسب ندارد، باعث تحمیل رنج و مشقت بر خانواده وی شده و آنها را هم مشمول مجازات قرار می‌دهد؛ بنابراین میزان جزای نقدی باید متناسب با جرم ارتكابی، شخصیت مجرم و وضعیت او اعمال شود. در قانون مبارزه با مواد مخدر برای تعیین جزای نقدی از چهار روش استفاده شده است:

اولاً، تعیین جریمه با ذکر حداقل و حداکثر: در این روش قاضی مختار است با توجه به جرم ارتكابی و میزان مواد مخدر به تعیین مجازات بپردازد. در قانون مبارزه با مواد مخدر، جریمه نقدی مجازات انحصاری نبوده و همواره با مجازات‌های دیگر همراه است و فقط در ماده ۲۰ این قانون قاضی مخیر است بین تعیین شلاق و جریمه نقدی؛ ثانیاً، تعیین جریمه نقدی بدون ذکر حداقل: در این روش قاضی می‌تواند از یک ریال تا حداکثر مذکور، مجازات تعیین کند اگرچه که گاهی داشتن این حد از اختیار موجب لوٹ شدن هدف اصلی مجازات می‌شود؛

ثالثاً، روش «کیلویی» که از ابداعات قانونگذار در اصلاحی سال ۱۳۷۶ است. به عنوان مثال در بند ۵ ماده ۵ ق.م.ب.م.م. خرید، نگهداری، مخفی یا حمل بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم تریاک مشمول مجازات مقرر در بند ۴ شده به علاوه به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به میزان جزای نقدی مرتکب افزوده می‌شود؛ رابعاً، روش عددی که از ابتکارات قانون اصلاحی ۱۳۷۶ است که در ماده ۲۰ ق.م.ب.م.م.: مرتکبین نگهداری، اخفاء یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازای هر عدد به صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق

محکوم می‌شوند.^{۲۸}

۱-۵- ضبط و مصادره اموال

ضبط مال یعنی نگهداشتن آن و تحت توقیف درآوردن آن که از نظر حقوقی معمولاً برای اموالی است که حاصل از جرم بوده یا حین ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این مجازات در ردیف مجازات‌های مالی محسوب شده و تفاوت آن با جریمه نقدی در این است که به جای پرداخت وجه نقد به خزانه دولت، عین مال به نفع دولت ضبط می‌گردد. هنگامی که همه اموال متهم مشمول ضبط شوند، مصادره اموال یا ضبط عام نامیده می‌شود. این مجازات هم مانند جریمه نقدی به خانواده مرتکب سرایت می‌کند به همین علت قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم را از حکم مصادره اموال مستثنا کرده است. در قانون اخیرالذکر دو واژه ضبط و مصادره اموال به دو مفهوم به کار رفته‌اند.

ضبط و مصادره اموال به‌عنوان یک حکم وضعی و عام در ماده ۲۸ ق.م.ب.م.م. اصلاحی ۱۳۷۶ آمده است که: «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و اموال متهمان فراری، در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط می‌شود.» در این ماده یک حکم کلی برای اموال به‌دست‌آمده از طریق نامشروع، وضع شده است و صرف‌نظر از شخصیت مجرم یا نوع و میزان مواد مخدر، همین که طریق تحصیل مال و منشأ مالکیت آن از راه قاچاق مواد مخدر باشد، کافی است تا مشمول حکم مصادره اموال به نفع دولت شود. در ضبط و مصادره اموال به‌عنوان مجازات نیز آنچه اهمیت دارد، اختصاص این مجازات به جرایم سنگین و قاچاق مواد مخدر به‌صورت عمده و کلان است. اگر اموال مجرم در زمان صدور حکم شناسایی نشده باشد و پس از آن مورد شناسایی قرار گیرد، چنانچه منشأ مالکیت مجرم به قبل از صدور حکم برگردد، دادگاه می‌تواند مجدداً به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید؛ و اگر دادگاه احراز نماید که متهم به‌منظور فرار از اجرای قانون، اموال منقول و غیرمنقول خود را به دیگران منتقل کرده است، دستور توقیف اموال مذکور را صادر و عندالاقضاء حکم ابطال نقل و انتقالات صوری را صادر می‌کند. هنگامی که مصادره اموال از باب مجازات باشد حتماً باید هزینه زندگی متعارف برای خانواده محکوم (متناسب با شأن و

موقعیت خانواده و تعداد افراد تحت تکفل) مستثنا شود.^{۲۹} دادگاه‌ها مکلف‌اند قبل از اتخاذ تصمیم و صدور حکم به ضبط و مصادره اموال، اسناد و مدارک مربوط به مالکیت اموال مزبور (عادی یا رسمی) و همچنین ادعای مالکیت اشخاص ثالث را مورد بررسی قرار دهد. در مورد ضبط مال، رعایت مستثنیات لازم نیست اما ادعای اشخاص ثالث در مورد مصادره اموال قابل بررسی است ضمن اینکه دادگاه مکلف است اموال مشمول ضبط را دقیقاً در حکم ذکر نماید یا به موجب حکم اصلاحی به آنها اشاره کند.^{۳۰}

باتوجه به رویکرد غالب نظام‌های حقوقی نسبت به اصلاح مجرمین، تحولات علوم جنایی، فلسفه مجازات‌ها، نگاه جرم‌شناختی به جرایم مواد مخدر و روان‌گردان و تعزیرمحور بودن قانون مبارزه با مواد مخدر در غیر از مجازات اعدام، قانون مجازات اسلامی و قانون مبارزه با مواد مخدر همسو با فلسفه و اهداف مجازات‌ها و اصل فردی کردن مجازات‌ها به‌عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات‌ها، به‌کارگیری نهادهای ارفاقی را پذیرفته‌اند؛ اما آنچه که حائز اهمیت است میزان انطباق اقدامات حاکم در اعمال مجازات‌ها با فلسفه وجودی تعزیرات که همان بازدارندگی و اصلاح مجرم است، می‌باشد. حقیقتی که در جرایم مواد مخدر مشهود است آنکه تلاش‌هایی که برای کاهش میزان بازگشت به جرم از طریق اقدامات تنبیهی انجام می‌شود، تأثیری نداشته و سخت‌ترین مجازات‌ها نظیر اعدام نتوانسته غایت مجازات‌های تعزیری را محقق گرداند. لذا ضرورت وجود نهادهای ارفاقی با تبیین اهداف مجازات‌ها و ضرورت اصلاح و درمان مجرمین و توجه قانونگذار بر این امر در قانون اساسی به‌عنوان بالاترین سند نظام حقوقی و قوانین عادی مادر همچون قانون مجازات اسلامی اثبات می‌گردد. پررنگ‌ترین نهاد ارفاقی حقوق کیفری، درجهت فردی کردن مجازات‌ها نهاد تخفیف است. این نهاد در قانون مبارزه با مواد مخدر نظام ویژه‌ای دارد. قانونگذار در ماده ۳۸ این قانون تخفیف در مجازات را تجویز نموده است. بر اساس این ماده سقف تخفیف در مجازات‌های دارای حداقل و حداکثر، تا نصف حداقل؛ در مجازات‌های فاقد حداقل، تا نصف همان مجازات؛ در احکام حبس ابد، ۱۵ سال و در اعدام تقاضای عفو و تخفیف از طریق

۲۹. ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با مواد مخدر: «تعیین مستثنیات اموال مصادره‌شده به‌منظور تأمین هزینه متعارف زندگی برای خانواده محکوم‌علیه، عرفاً باید به‌گونه‌ای باشد که خانواده محکوم‌علیه در عسروخرج قرار نگیرد و مشتمل بر توجه لازم به مسکن و امرارمعاش، تعداد فرزندان، هزینه‌های زندگی درمانی و تحصیلی آنها باشد.»

۳۰. علی‌اکبر باصری، سیاست جنایی (داخلی و بین‌المللی) مواد مخدر (تهران: نشر خرسندی، ۱۳۸۶)، ۱۲۳-۱۲۲؛ ساکی، پیشین، ۲۶۱-۲۶۰ و ۲۷۳.

کمیسیون عفو است.^{۳۱} این موارد از استثنائات قاعده فراغ دادرس محسوب می‌شود که بنا به مصالح خاص قانونگذار اجازه تغییر حکم دادگاه پس از قطعیت آن را می‌دهد.^{۳۲} از آنجاکه مجازات مصادره اموال درجهت تطهیر مالی محکوم و اخذ اموال نامشروع حاصل از ارتکاب جرم صورت می‌پذیرد و قانونگذار با مقید کردن عبارت «مصادره» به قید «اموال ناشی از همان جرم» ضبط اموال نامشروع را مدنظر قرار داده است؛ لذا به‌نظر می‌رسد مصادره اموال قابل تخفیف نباشد.^{۳۳}

۲- مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان

مجازات‌های تتمیمی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که به مجازات اصلی افزوده می‌شود و علاوه بر اینکه باید در دادنامه ذکر شود، هیچ‌گاه به‌تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرد، زیرا این مجازات‌ها باید مجازات اصلی را تکمیل کنند. اعمال این مجازات‌ها از اختیارات دادگاه محسوب می‌شود اما در پاره‌ای از موارد قانونگذار رأساً مجازاتی را علاوه بر مجازات اصلی تعیین می‌کند که قاضی مجبور به اعمال آن می‌شود. لذا می‌توان به دو نوع مجازات تتمیمی و تکمیلی (یکی اختیاری و دیگری اجباری) قائل شد. انواع مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی به قرار ذیل است:

انفصال از خدمت دولتی، لغو جواز کسب و موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری، تنزل درجه، محرومیت از عضویت در شورای اسلامی و محکومیت انتظامی قضات که در ادامه هر یک به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱- انفصال از خدمت دولتی

انفصال از خدمت به معنای قطع رابطه استخدامی کارمند با اداره و سازمان متبوع خویش که گاه به صورت دائمی و گاه به صورت موقت و مدت زمان مشخصی در نظر گرفته می‌شود. در برخی جرایم کارمند بودن مجرم باعث تحمیل مجازات بیشتر یا انفصال او از خدمت می‌شود.

۳۱. حمید بهره‌مند، رسول احمدزاده و سینا رستمی، «واکاوی نهادهای ارفاقی در جرایم مواد مخدر»، فصلنامه کارآگاه ۳۹ (۱۳۹۶)، ۴۴-۴۳.

۳۲. همان، ۴۷.

۳۳. همان، ۴۶.

این مجازات یا به دلیل آن است که کارمند برای ارتکاب بزه از شغل و مقام خود سوءاستفاده کرده و سهل‌تر از افراد عادی می‌تواند مبادرت به قاچاق مواد مخدر کند یا حفظ شأن کارمند اقتضاء می‌کند که جرایم کارمند با قاطعیت بیشتری پاسخ داده شود چراکه وجود افراد معتاد در میان کارمندان دولت، چهره‌ای زشت و زننده از مأموران دولتی در انظار عمومی به نمایش می‌گذارد و کارمند معتاد نمی‌تواند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد؛ و در هر دو حالت انفصال از خدمت بیشتر اقدام تأمینی است تا مجازات. انفصال از خدمت در بعضی موارد شامل هرگونه خدمت دولتی است که در این صورت کارمند منفصل، حق استخدام و اشتغال به کار در هیچ‌یک از ادارات و سازمان‌های دولتی را ندارد. سبک‌ترین نوع این مجازات انفصال موقت و شدیدترین آن، انفصال دائم از خدمات دولتی است. به‌عنوان مثال قانونگذار در قسمت اول ماده ۱۲ ق.م.ب.م.م. مقرر می‌دارد: «هرکس مواد مخدر را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید به اشد مجازات مذکور در مواد ۴ و ۹ محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی نیز محکوم می‌شود.» و در قسمت دوم همان ماده برای مأمورانی که در اثر مسامحه و سهل‌انگاری آنها مواد مخدر به داخل زندان و بازداشتگاه وارد می‌شود، سه نوع مجازات در نظر گرفته شده است: تنزل درجه، انفصال موقت، انفصال دائم؛ اما درباره اینکه کدام مجازات برای مأمور خاطی باید اعمال شود، قانون مبهم است. در انفصال موقت از خدمت دولت، پس از سپری شدن دوران محکومیت، کارمند منفصل می‌تواند به همان محل کار خود مراجعت نماید مگر در مواردی که به موجب رأی صادره از هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به کلی از محل کار خود اخراج یا از خدمات دولتی برای همیشه محروم شود. در مواردی که انفصال از خدمات دولتی به‌طور مطلق و بدون وصف خاص بیان می‌شود، با عنایت به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم، باید قائل به انفصال موقت بود چراکه حمل واژه انفصال بر انفصال دائم، به دلیل خاص و تصریح قانونگذار نیاز دارد.^{۳۴}

۲-۲- لغو جواز کسب و موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری

این مجازات زمانی اعمال می‌شود که فرد بزه‌کار با سوءاستفاده از موقعیت کاری و تجاری خود، مرتکب بزه (خریدوفروش مواد مخدر و توزیع آن) شود. این مجازات علیه حق کسب و

پیشه مجرم اعمال شده و او را از حق اشتغال و کسب معینی محروم می‌کند. قانونگذار اخذ پروانه شغل یا کارت بازرگانی و تأسیس یک مؤسسه تجاری را منوط به شرایطی از جمله عدم اعتیاد کرده است و پس از ارتکاب جرم هم ضمانت‌اجرای کیفری در نظر گرفته است. به‌عنوان مثال در ماده ۱۳ ق.م.ب.م.م. آمده است: «هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی، مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و توزیع مواد مخدر معد سازد یا مورد استفاده قرار دهد یا بدین‌منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد، موافقت اصولی و پروانه بهره‌برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد مذکور به نفع دولت ضبط می‌گردد.» این مجازات علیه شخص حقیقی و حقوقی قابل اعمال است.^{۳۵}

۲-۳- تنزل درجه

اعطای درجه به‌عنوان ترفیع یا تشویق از افتخارات یک نظامی است، درمقابل تنزیل درجه و از دست دادن آن یک تنبیه و مایه سرشکستگی محسوب می‌شود. قانونگذار با علم به این واقعیت از تنزیل درجه به‌عنوان یک مجازات برای افراد نظامی استفاده کرده است. اعمال این مجازات گاه به‌صورت مجازات اصلی و گاه به‌صورت مجازات تکمیلی و تتمیمی، به اختیار قاضی دادگاه گذاشته شده است. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تنزل درجه نظامیان را از سه دیدگاه بررسی کرده است: تنزیل درجه به‌عنوان مجازات جایگزین و در مقام تخفیف، به‌جای اعمال مجازات حبس‌های کمتر از یک سال، تنزیل درجه به‌عنوان مجازات تتمیمی در محکومیت‌های تزییری؛ و درنهایت تنزیل درجه به‌عنوان مجازات اصلی.

همچنین در قسمت دوم ماده ۱۲ ق.م.ب.م.م.، تنزل درجه به‌عنوان یک مجازات درمورد مأمور خاطی که سهل‌انگاری و مسامحه کرده باشد و در اثر این سهل‌انگاری مواد مخدر به داخل زندان وارد شده باشد، اعمال می‌شود؛ اما میزان این تنزل درجه مشخص نبوده و قاضی می‌تواند متناسب با میزان سهل‌انگاری و مقدار مواد مخدري که وارد زندان شده است و آثار آن، از یک درجه تا چند درجه مأمور خاطی را از درجه خود تنزل دهد.^{۳۶}

۳۵. همان، ۲۹۲-۲۸۸.

۳۶. همان، ۲۹۹-۲۹۷.

۲-۴- محرومیت از عضویت در شورای اسلامی

محرومیت از عضویت در شورای اسلامی نوعی تنبیه است که گاه شکل مجازات به خود می‌گیرد. این محرومیت گاه قبل از عضویت و گاه بعد از عضویت در شورای اسلامی اعمال می‌شود. طبق ماده ۲۴ ق.م.ب.م.م. هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف‌اند به محض آگاهی از کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا، مراتب را کتباً به دهمدار و نزدیک‌ترین پاسگاه یا حوزه انتظامی اطلاع دهد. حال اگر اعضای شورای اسلامی بدون عذر موجه از انجام این وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند، مطابق ماده ۲۵ قانون فوق‌الذکر بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت در شورای اسلامی محروم می‌شوند.

۲-۵- محکومیت انتظامی قضات

قضات از کارکنان دولت هستند و اقدامات آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به نفوس، اموال، جان، حیثیت و حقوق مردم ارتباط دارد. خروج قاضی از قوانین و مقررات گاه به‌صورت عمل مجرمانه و گاه به‌صورت تخلف انتظامی در قوانین جلوه‌گر می‌شود. قاضی مکلف است در جهت اجرای ماده ۳۶ ق.م.ب.م.م. هنگام صدور حکم صادره اموال به‌عنوان مجازات، هزینه زندگی متعارف خانواده محکوم را از این حکم مستثنا کند در غیر این صورت برخلاف صریح قانون عمل کرده و تخلف انتظامی وی محرز است.^{۳۷}

۳- مجازات‌های تبعی جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان

ارتکاب جرم علاوه بر تحمیل مجازات اصلی و تنبیهی و تکمیلی گاه آثار و عوارض تبعی هم ایجاد می‌کند یعنی مجرم هم باید مجازات مورد حکم دادگاه را تحمل کند و هم از پاره‌ای از حقوق اجتماعی محروم می‌شود. آثار مجازات‌های تبعی پس از مدتی از صدور حکم و اجرای آن پایان می‌یابد. مجازات‌های تبعی برخلاف مجازات‌های اصلی و تنبیهی در حکم دادگاه ذکر نمی‌شوند. در مورد مرتکبین جرایم مواد مخدر، محرومیت از حقوق اجتماعی در دو حالت قابل تصور است:

اولاً، محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی که این حالت زمانی محقق می‌شود که کسی که مرتکب جرمی شده و حکم صادره هم به مرحله اجرا درآمده باشد؛

ثانیاً، محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان شرط ضروری که در این حالت شخص از تصدی موقعیت‌های شغلی به‌علت اعتیاد به مواد مخدر محروم می‌شود البته گاهی اعتیاد به مواد مخدر به‌عنوان تخلف اداری و انضباطی نیز تلقی می‌شود^{۳۸} و علاوه بر مجازات کیفری به مجازات اداری محکوم می‌شود. در واقع بین اعتیاد و اشتغال رابطه نامساوی وجود دارد یعنی فرد معتاد از اشتغال به بسیاری از امور دولتی و غیردولتی محروم می‌شود. اعمال این فشارها در خصوص شخص معتاد شاید عاملی برای ترک اعتیاد به حساب آید اما متأسفانه حتی پس از ترک اعتیاد هم به او به‌عنوان معتاد سابق و مجرم می‌نگرند. شاید بهتر باشد فرد معتاد را بیمار بدانیم، نه مجرم تا بازگشت او به جامعه تسهیل گردد.^{۳۹}

۴- اقدامات تأمینی در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان

اقدامات تأمینی، تدابیری هستند برای جلوگیری از تکرار جرم در آینده که توسط دادگاه اعمال می‌شوند. مواردی از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۵) ناظر بر سیاست جنایی غیرکیفری با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی و تأکید بر باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی، آموزشی و هنری است.^{۴۰} مهم‌ترین این سیاست‌ها و راهبردها عبارت است از تشکیل خانه‌های اعتیاد، حمایت درمانی و اقتصادی از معتادان و خانواده‌های آنها، فراهم آوردن زمینه تفریحات و سرگرمی‌های سالم، ارتقای سطح نگرش و باور عمومی افراد جامعه درباره سوءمصرف مواد مخدر، تقویت اراده سوءمصرف‌کنندگان برای توقف رفتار و رفع نابسامانی‌های اجتماعی از طریق بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی.^{۴۱}

۳۸. بند ۲۲ و ۲۳ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲: «اختفاء، نگهداری، حمل، توزیع و خریدوفروش مواد مخدر و استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر، تخلف اداری محسوب می‌شوند.»
 ۳۹. علیرضا جمشیدی، «آسیب‌های مصرف مواد مخدر و ضرورت اصلاحات قانونی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی* ۱۴ (۱۳۸۱)، ۱۸۴.

۴۰. عباسعلی اکبری، «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری* ۲ (۱۳۹۳)، ۱۷.
 ۴۱. حمیدرضا فرتوک‌زاده، هاشم معزز و میثم رجبی نهوجی، «سیاست‌ها و راهبردهای کنترل مصرف مواد مخدر در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی* ۴۸ (۱۳۹۲)، ۱۶۹.

۴-۱- ایجاد مراکز ترک اعتیاد

از سال ۱۳۸۹ و اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان، رویکرد قانونی نسبت به معتادان تغییر یافت و عنوان مجرمانه از آن سلب شد. سلب این عنوان مجرمانه و تعلیق تعقیب به درمان اعتیاد در مدت مشخص مشروط شده است. لذا مقام قضایی می‌تواند برای یکبار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی ترک اعتیاد، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز ترک اعتیاد معرفی نماید.^{۴۲} مطابق ماده ۱۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر (مصوب ۱۳۵۹) لزوم ایجاد مراکز ترک اعتیاد جهت نگهداری و معالجه و اشتغال آنان به کار در حین مداوا استنباط می‌شود.^{۴۳} لزوم اعزام فرد معتاد قبل از محکومیت وی به مراکز ترک اعتیاد و بدون مدت بودن این اقدام، از ویژگی‌های بارز اقدامات تأمینی محسوب می‌شود. قبل از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۱۵ آن قانون صراحتاً اعتیاد را جرم دانست ولی به کلیه معتادان اجازه درمان و بازپروری داده می‌شد. ولی قانونگذار در بند ۶ و ۱۷ اصلاحیه با الحاق مواد ۱۵ و ۱۶ به قانون، ابتدائاً با جرم‌زدایی از اعتیاد و تلقی آن به‌عنوان بیماری، معتادان را مکلف به درمان و ترک اعتیاد خود با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است. چنانچه معتادان از انجام این تکلیف خودداری نمایند، قانونگذار به قید این شرط معتاد را مجرم تلقی نموده و مستوجب مجازات حبس از نود و یک روز تا شش ماه دانسته است. ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی قانونگذار در مورد پدیده اعتیاد مبتنی بر پاسخ دولتی و غیرکیفری از طریق درمان و بازپروری است.^{۴۴} لکن لازم است سیاست جنایی قضایی در کنار صدور تعلیق تعقیب، مقام یا نهادی را

۴۲. محمد آشوری و ابراهیم ابراهیمی، «رویکرد تقنینی قضایی کاربست درمانی تعلیق تعقیب نسبت به معتادان»، فصلنامه حقوق پزشکی ۴۴ (۱۳۹۷)، ۱۱۹.

۴۳. کلیه کسانی که به اتهام استعمال و اعتیاد به مواد مخدر و همچنین اختفاء و نگهداری و حمل مواد مذکور تحت تعقیب قرار گرفته و بازداشت گردیده‌اند مشروط به اینکه میزان مواد مکشوفه بیش از پنجاه گرم مواد افیونی و یک گرم هروئین و مواد مخدر مشابه آن نبوده و این اشخاص نیز معتاد به استعمال مواد مخدر باشند، پس از صدور قرار بازداشت به‌جای زندان به‌منظور معالجه و رفع کامل اعتیاد و اشتغال آنان به کار در حین مداوا و پیدا کردن تخصص حرفه‌ای در صورت لزوم به مراکزی که به‌وسیله دولت ایجاد خواهد شد، اعزام و از آنان نگهداری خواهد شد و مدت معالجه جزء مدت مجازات آنان محسوب خواهد شد. چنانچه مدت معالجه بیش از مدت محکومیت به حبس باشد مادام که نسبت به جرم رفع اعتیاد به‌عمل نیامده باشد در مرکز مذکور از متهم معتاد نگاهداری شده و در حکم دادگاه نیز این معنا ذکر خواهد گردید.

۴۴. اکبری، پیشین ۱۸؛ ساکی، پیشین، ۳۱۲؛ علی‌گل محمدی خامنه، «اعتیاد به مواد مخدر در قوانین کیفری»، فصلنامه دانش انتظامی ۱۴-۱۳ (۱۳۸۱)، ۹۳.

جهت احراز تحقق درمان شخص معتاد پیش‌بینی نماید. به‌علاوه لازم است نظارت دوره‌ای دادستان و نمایندگان وزارت بهداشت و درمان پیش‌بینی گردد.^{۴۵}

۴-۲- نگهداری در اردوگاه‌ها

یکی دیگر از اقدامات تأمینی درخصوص مجرمان مواد مخدر، نگهداری در اردوگاه است. اردوگاه‌ها، مکان‌های باز و نیمه‌بازی هستند که برای اشتغال به امور صنعتی، کشاورزی و ... در نظر گرفته شده باشند. ماده ۴۲ ق.ا.م.ب.م.م. مقرر می‌دارد که قوه قضائیه اجازه دارد بخشی از محکومان جرایم مواد مخدر را به‌جای زندان، در اردوگاه‌های خاص نگهداری نماید و اداره این اردوگاه‌ها برعهده قوه قضائیه است.^{۴۶} امید است با تدابیر سازنده و ارائه راه‌حل‌های مفید، اصلاح هرچه بیشتر بزهکاران مواد مخدر صورت پذیرد.

نتیجه

وضع و اجرای هر مجازاتی باید موجه و منطقی و در راستای تأمین منافع جامعه باشد. جامعه با خلع سلاح کسانی که به ارتکاب جرم اقدام نموده‌اند و یا آمادگی ارتکاب آن را دارند (حالت خطرناک)، می‌کوشد خود را از خطر آسیب‌رسانی مجدد آنها در امان دارد.^{۴۷} با گسترش روزافزون سوء‌مصرف مواد مخدر و داروهای روان‌گردان و همچنین ارتکاب جرایم مرتبط با آنها، دفاع اجتماعی پیکان مبارزه را به‌سوی قاچاقچیان مواد مخدر نشانه گرفت و برای درمان معتادان راه‌حل‌های پیشرفته‌ای ارائه نموده است. در سیاست جنایی اعم از تقنینی، اجرایی و قضایی، آسیب‌شناسی قوانین حاکم و اقدامات قضایی و اجرایی درجهت مبارزه هرچه مؤثرتر با ارتکاب جرایم مرتبط با سوء‌مصرف مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، صورت پذیرفته است. سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر، سیاستی سخت‌گیرانه و مبتنی بر پاسخ‌های دولتی اعم از کیفری و غیرکیفری است. پاسخ‌های غیرکیفری ناظر بر پیشگیری، درمان و بازدارندگی از ارتکاب و تکرار جرم بوده و نقش ارگان‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه محسوس است. به‌نظر می‌رسد برای مبارزه با مواد مخدر نباید فقط به فکر استفاده از سلاح مجازات آن هم به شدیدترین نحو ممکن بود بلکه برای مبارزه با هر جرم باید به

۴۵. آشوری، ابراهیمی، پیشین، ۱۳۹.

۴۶. ساکی، پیشین، ۳۱۶-۳۱۵.

۴۷. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵)، ۳۷.

فکر رفع عواملی بود که این جرم محصول آن است. بهترین و سریع‌ترین راه‌حل برای ریشه‌کن کردن مواد مخدر و جلوگیری از قاچاق، جلوگیری از کشت گیاهان مخدر مانند خشخاش است تا در صورت نیاز برای امور طبی و علمی، به صورت محدود و کنترل شده و با مجوز ارگان‌های تأییدشده بین‌المللی کشت آن صورت گیرد و از انحراف آنها به نفع قاچاق کاملاً خودداری شود، در این صورت است که مواد مخدر به جای اینکه مایه هلاکت و تباهی محسوب شود به عنوان یک ماده مفید و حیات‌بخش مورد استفاده قرار خواهد گرفت. همچنین تشکیل خانه‌های اعتیاد به همراه تشدید فعالیت‌های بازدارنده عرضه و تولید مواد افیونی، تحت پوشش مصرف خدمات بهداشتی و درمانی قرار دادن مصرف‌کنندگان و خانواده‌های آنان ایجاد زمینه جایگزینی مواد افیونی کم‌خطر به جای مواد مخدر صنعتی، سرمایه‌گذاری اقتصادی در صنایع با درون‌داد مواد افیونی در کشورهای تولیدکننده، بخشی از سیاست‌هایی است که در قالب بسته‌های سیاستی متعدد در مقاطع مختلف زمانی پیشنهاد شده‌اند.^{۴۸} این درحالی است که اولویت پیشگیری بر درمان، نیاز ضروری برای اصلاح سیاست‌گذاری عمومی دولت است.^{۴۹} از طرفی جرم‌زدایی از سوءمصرف مواد مخدر ممکن است باعث افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و معتادان شود، لذا حفظ وضع فعلی قانون در مورد جرم‌انگاری سوءمصرف مواد مخدر موجه به نظر می‌رسد، لیکن جرم‌انگاری الزاماً به معنای اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری شدید نیست بلکه می‌توان از اقدامات تأمینی - تربیتی مناسب در این زمینه بهره برد.^{۵۰} تدابیر اصلاحی - تربیتی همچون حبس‌های منزلی همراه با نظارت الکترونیکی نیز با توجه به اینکه باعث کاهش آثار جرم‌شناسانه زندان شده و پیوندهای خانوادگی را قطع نمی‌کند، می‌تواند به تغییرات مثبتی در رفتار بزهدکار منجر گردد.^{۵۱} همچنین اتخاذ تدابیر لازم جهت رفع معضلات اقتصادی و اجتماعی و مبارزه با باندهای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر و تهیه قوانین جامع جهت پیشگیری از اعتیاد و قاچاق مواد مخدر می‌توانند در کنترل جرایم مواد

۴۸. فرتوک‌زاده، معزز و رجبی نهوجی، پیشین، ۱۹۷-۱۹۶.

۴۹. مسعود مهدویان‌فر، حسین مسعودنیا و محمدرضا یزدانی زازرانی، «بررسی علل ناکارآمدی سیاست‌گذاری ایران در پیشگیری اولیه از سوءمصرف مواد مخدر»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی ۴ (۱۳۹۷)، ۱۲۹.

۵۰. منصور رحمدل، «اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر در ایران: جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری»، مجله رفاه اجتماعی ۹ (۱۳۸۲)، ۲۳۵.

۵۱. آنت ژولین و برایان استیپاک، «درمان مواد مخدر و حبس‌های منزلی همراه با نظارت الکترونیکی: ارزیابی یکی از تدابیر اجتماعی جایگزین زندان»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری ۳۶ (۱۳۸۰)، ۱۰۷.

مخدر مؤثر واقع شوند.^{۵۲} در صورت عدم کارایی نظریه‌های اصلاح و درمان، کیفرشناسی نو یا کیفرشناسی ریسک‌مدار می‌تواند به‌عنوان رویکردی در پاسخ به جرایم مواد مخدر مطرح شود. مطابق این رویکرد، بزهکاران در قالب گروه‌های خطرناک یا دارای ریسک بالا قرار می‌گیرند و بسته به میزان خطرناکی بزهکار و جرم ارتكابی وی، تعیین می‌شود که کدام راهبرد هدف‌دار قابل‌اعمال است.^{۵۳} شناسایی ملاک‌های علمی و طبقه‌بندی مجرمان پرخطر و کم‌خطر از سوی قانونگذار و ارائه راهکارهای قانونی در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها، می‌تواند تا حد امکان از اعمال سلايق شخصی قضات بکاهد.^{۵۴} رویکرد جامعه‌شناسانه با نگرستن به مجازات به‌عنوان یک پدیده اجتماعی که در طول حیات خود در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی در نوسان است، می‌تواند ابعاد جدیدی را به روی ما بگشاید. مطابق برخی رویکردهای جامعه‌شناختی، تغییرات در مجازات نشان‌دهنده تحولات اجتماعی است. در همین راستا تاریخ مجازات اعدام حاکی از آن است که افزایش و کاهش میزان استفاده از این مجازات بی‌ارتباط با وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه نیست.^{۵۵} از آنجاکه مجازات اعدام با شیوه اجرایی کنونی در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست، همچنین حذف مجازات اعدام به‌طور کلی شایسته به‌نظر نمی‌رسد، باید در جهت بازدارنده شدن مجازات اعدام کوشید و تا حدی که شرع مقدس اسلام و نظام حقوقی کشور اجازه می‌دهد، مجازات‌های دیگری (از جمله منع اقامت در محل معین، اجبار به اقامت در محل معین، منع اشتغال به برخی مشاغل و ...) جایگزین شوند.^{۵۶} درنهایت از مقایسه ضمانت‌اجراهای مقرر در قانون لاحق نسبت به قانون سابق به‌دست می‌آید که در بسیاری از موارد جهت‌گیری به‌گونه‌ای بوده که از ورود افراد به زندان جلوگیری کند و یا مدت زندانی محکومین را به حداقل برساند و نیز کیفر اعدام تا حد زیادی کاهش یابد.

-
۵۲. احمد موبدی، «تحلیل و بررسی سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در ایران»، ماهنامه دادرس، ۴۰-۳۹ (۱۳۸۲)، ۷۴.
۵۳. رحیم نوبهار و یزدان صیقل، «ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک‌مدار»، مجله حقوقی دادگستری ۱۰۰ (۱۳۹۶)، ۲۲۰.
۵۴. اکبر زمان‌زاده، «مجرمان مواد مخدر به‌مثابه مجرمان پرخطر در نظام عدالت کیفری ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی خصوصی و کیفری ۳۳ (۱۳۹۶)، ۱۳۸.
۵۵. عبدالرضا جوان‌جعفری بجنوردی و محمدصالح اسفندیاری بهرآسمان، «نگرشی جامعه‌شناسانه بر تحولات مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر»، مجله پژوهش حقوق کیفری ۲۵ (۱۳۹۷)، ۱۵۳.
۵۶. پوررضا و اسماعیلی، پیشین، ۱۲.

فهرست منابع

- اخوان، بهار. «بررسی طرح تخفیف مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر». فصلنامه صیانت از حقوق زنان ۹ (۱۳۹۶): ۶۰-۳۷.
- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. چاپ چهل و هفتم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
- اسلامی، رضا. آیا حقوق بشر؟ راهنمای هنجاری حقوق مدنی - سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
- اکبری، عباسعلی. «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر». مجله پژوهشنامه حقوق کیفری ۲ (۱۳۹۳): ۳۴-۷.
- آشوری، محمد و ابراهیم ابراهیمی. «رویکرد تقنینی قضایی کاربست درمانی تعلیق تعقیب نسبت به معتادان». فصلنامه حقوق پزشکی ۴۴ (۱۳۹۷): ۱۴۱-۱۱۹.
- باصری، علی‌اکبر. سیاست جنایی (داخلی و بین‌المللی) مواد مخدر. چاپ اول. تهران: نشر خرسندی، ۱۳۸۶.
- بهره‌مند، حمید، رسول احمدزاده و سینا رستمی. «واکاوی نهادهای ارفاقی در جرایم مواد مخدر». فصلنامه کارآگاه ۳۹ (۱۳۹۶): ۵۵-۳۹.
- پوریافرانی، حسن و امین مسائلی. «تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر». فصلنامه مجلس و راهبرد ۹۱ (۱۳۹۶): ۱۶۴-۱۴۱.
- پوررضا، مهدی و مهدی اسماعیلی. «بررسی‌های مجازات جایگزین کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر». مقاله ارائه‌شده در سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.
- جلالی، مجید. «تعدّد و تکرار جرم و شروع به جرم در جرایم مواد مخدر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۴.
- جمشیدی، علیرضا. «آسیب‌های مصرف مواد مخدر و ضرورت اصلاحات قانونی». فصلنامه رفاه اجتماعی ۱۴ (۱۳۸۱): ۱۸۸-۱۷۵.
- جوان‌جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محمدصالح اسفندیاری بهرآسمان. «نگرشی جامعه‌شناسانه بر تحولات مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر». مجله پژوهش حقوق کیفری ۲۵ (۱۳۹۷): ۱۵۷-۱۲۵.
- حامدی، هادی. «تحولات مجازات اعدام در مواد مخدر در نظام کیفری ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تفت: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵.
- خاکسار، الهه. «بررسی کیفرشناختی قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان با تأکید بر توزیع». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۴.
- دوستی، مسلم. «مجازات‌های جایگزین اعدام». مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی ۵ (۱۳۹۵): ۹۵-۱۰۸.

- رحمدل، منصور. «اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران: جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری». *مجله رفاه اجتماعی* ۹ (۱۳۸۲): ۲۰۳-۲۴۲.
- رحمدل، منصور. «تحولات سیاست جنایی تقنینی قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر». *مجله جامعه‌شناسی ایران* ۲۵ (۱۳۸۵): ۱۶۵-۱۴۹.
- زمان‌زاده، اکبر. «مجرمان مواد مخدر به‌مثابه مجرمان پرخطر در نظام عدالت کیفری ایران». *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری* ۳۳ (۱۳۹۶): ۱۵۸-۱۳۷.
- ژولین، آنت و برایان استیپاک. «درمان مواد مخدر و حبس‌های منزلی همراه با نظارت الکترونیکی: ارزیابی یکی از تدابیر اجتماعی جایگزین زندان». *ترجمه مهرداد رایجیان اصلی. مجله حقوقی دادگستری* ۳۶ (۱۳۸۰): ۱۲۴-۱۰۵.
- ساک، محمدرضا. *مواد مخدر و روان‌گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل*. چاپ اول. تهران: نشر جاودانه، ۱۳۹۱.
- سلیمانی، رضا. «بررسی تأثیر عام بودن و یا پنهان بودن اعدام در کاهش جرایم مواد مخدر». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه* ۲/۱ (۱۳۹۷): ۱۷۷-۱۶۹.
- صلح‌چی، محمدعلی و شهریار نصیری. «مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین‌الملل بشر؛ حذف یا ابقاء». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۹ (۱۳۹۷): ۱۷۰-۱۴۳.
- علی‌اکبری، مریم. «بررسی میزان بازدارندگی مجازات اعدام». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، بندرعباس: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۶.*
- غلاملو، جمشید. «تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرایم مواد مخدر». *مجله حقوقی دادگستری* ۱۰۳ (۱۳۹۷): ۱۷۴-۱۵۱.
- غلامی، حسین. «سیاست کیفری سخت‌گیرانه». *فصلنامه دانش انتظامی* ۲۷ (۱۳۸۴): ۱۱۲-۹۵.
- فتاحی زفرقندی، سجاد. «بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان». *فصلنامه مطالعات حقوق* ۱ (۱۳۹۵): ۶۹-۵۳.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا، هاشم معزز و میثم رجبی نهوجی. «سیاست‌ها و راهبردهای کنترل مصرف مواد مخدر در ایران». *فصلنامه رفاه اجتماعی* ۴۸ (۱۳۹۲): ۲۰۰-۱۶۹.
- قاسمی، سمیه، محمدعلی داوریار. «بررسی ممنوعیت کیفر بدنی اعدام از دیدگاه بین‌المللی و تأثیر آن بر قانون جزا مصوب ۱۳۹۲». *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه* ۳ (۱۳۹۵): ۱۴۲-۱۳۳.
- کاظمی، مسعود. «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان». *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد* ۴ (۱۳۹۳): ۱۱۸-۱۰۱.
- گل‌محمدی خامنه، علی. «اعتیاد به مواد مخدر در قوانین کیفری». *فصلنامه دانش انتظامی* ۱۳ و ۱۴ (۱۳۸۱): ۱۰۷-۸۲.
- مدنی قهفرخی، سعید. *اعتیاد در ایران*. چاپ اول. تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۰.
- معاونت آموزشی قوه قضائیه. *بررسی توصیفی جرایم مواد مخدر*. چاپ اول. تهران: نشر جاودانه، ۱۳۸۷.

- موبدی، احمد. «تحلیل و بررسی سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در ایران». ماهنامه *دادرسی* ۴۰-۳۹ (۱۳۸۲): ۶۹-۶۴ و ۷۴-۷۱.
- موبدی، احمد. «سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر». ماهنامه *اصلاح و تربیت* ۴۳ (۱۳۷۷): ۷-۳.
- مهدویان‌فر، مسعود، حسین مسعودنیا و حسین یزدانی زازرانی. «بررسی علل ناکارآمدی سیاست‌گذاری ایران در پیشگیری اولیه از سوءمصرف مواد مخدر». *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی* ۴ (۱۳۹۷): ۱۳۱-۱۱۳.
- مهرگان، شادی. «تناسب مجازات اعدام جرایم مواد مخدر و روان‌گردان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، محمدجعفر حبیب‌زاده و محمدعلی بابایی. «جرایم مانع (بازدارنده)». *فصلنامه مدرس علوم انسانی* ۳۷ (۱۳۸۳): ۴۸-۲۳.
- نوبهار، رحیم و یزدان صیقل. «ویژگی‌ها و راهبردهای کیف‌شناسی ریسک‌مدار». *مجله حقوقی دادگستری* ۱۰۰ (۱۳۹۶): ۲۲۶-۱۹۷.
- همرسلی، ریچارد. *مواد مخدر و جرم*. چاپ اول. ترجمه‌ علی‌رضا علیزاده. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- یوسفی‌نژاد، نوشین و محمود آقاجانی. «بررسی مجازات‌های سنتی و نوین جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی». مقاله ارائه‌شده در چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶.